

## ارتباط فاشیسم اماراتی با سراب های تجزیه طلبی!



استبداد طبقاتی و ستم ملی در بستر فنودالیسم و تاریخ معاصر این جغرافیا، تاریخ انباشت سرمایه از طریق غصب زمین، شلاق فنودالی و سرکوب خونین ساختارهای خلقی است. از زمان تحکیم قدرت و شکل گیری جغرافیایی بنام افغانستان و قدرت شاهی مطلقه و فنودالیسم قبیله‌ای، دستگاه حاکمه همواره از تفاوت‌های قومی و زبانی و مذهبی به عنوان ابزاری برای تحکیم قدرت خود استفاده کرده است. نسل‌کشی‌های سیستماتیک، کوچ‌های اجباری غاصبانه، و تقسیم مردم به شهروندان درجه یک و درجه چندم، ریشه در این واقعیت دارد که طبقه حاکم فنودال برای جلوگیری از شکل‌گیری آگاهی طبقاتی و اتحاد زحمت‌کشان، همواره آتش شوونیسم (قوم‌گرایی افراطی، اختلافات مذهبی) را شعله‌ور نگه داشته است. ارگ‌نشینان در تمام دوره‌ها از شاهان فنودال تا تکنوکرات‌های جیره‌خوار امپریالیسم غرب ثروت‌های روی زمین و زیرزمین را غارت کردند و به مردم ستم‌دیده (پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک و غیره) فقر، جهل و طوق بندگی تحفه دادند.

فاشیسم مذهبی، زبانی و قومی را که رژیم طالبان در حال تقویت و تداوم عریان‌تر و خشن‌تر در ساختار استبدادی، فنودالی و سرمایه‌داری وابسته می‌باشد و با اتکا به تفوق‌طلبی انحصارگرایانه و تنوکراسی (حکومت مذهبی) سرکوبگر، تمام دستاوردهای حداقلی و مدنی مردم را به زوال و نابودی برده است و باعث گردیده که گرایش‌های فدرالیستی، تجزیه‌طلبانه و قوم‌محور (تحت عناوین خراسان‌خواهی، هزارستان‌خواهی، پشتونستان‌خواهی و ترکستان‌خواهی) که امروزه در فضای مجازی درحال ترویج و بحث است، این بحث‌ها به جای نشانه گرفتن تضاد اصلی جامعه، تضادهای فرعی را عمده می‌کنند.

جابه‌جایی تضاد اصلی با تضاد فرعی اندیشه انسانی تحلیل مشخص از شرایط مشخص تاکید دارد آنهم در جامعه‌ای تحت سلطه، تضاد اصلی میان مردم ستم‌دیده (کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان) از یک سو، و امپریالیسم، فروافتادگان بنیادگرا و سرمایه‌داری وابسته از سوی دیگر زمینه تنفس و زنده گی مردم مظلوم را به خفقان تبدیل نموده است که در چنین وضعیت خراسان‌خواهی یا هزارستان‌خواهی، مرزبندی‌های طبقاتی را پاک نموده و این جریان‌ها کارگر تاجیک، دهقان پشتون، زحمت‌کش هزاره و پیشه‌ور ازبک را که همگی زیر بار یک نظام طبقاتی و ستم اقتصادی خرد می‌شوند، مقابل یکدیگر قرار می‌دهند. که منتج به مسموم نمودن جریان آگاهی طبقاتی مردم میشود و دشمن واقعی (سرمایه‌داری و امپریالیسم) را از ضربه خوردن مصون می‌دارند.

**\* ناسیونالیسم بورژوازی و منافع الیگارش‌های فراری:**

پرچمداران این پروژه‌های تجزیه‌طلبانه در فضای مجازی، کارگران روی جاده‌های کابل یا دهقانان بی‌پناه فاریاب و بامیان نیستند بلکه پرچمداران این جغرافیاهای موهوم، غارتگران و چپاولگران فراری شکست‌خورده هستند که در لوکس‌ترین هتل‌های غرب و کشور های منطقه نشسته‌اند. آن‌ها که منافع طبقاتی و سهم خود را از سفره غارت سرمایه‌داری در کابل از دست داده‌اند، اکنون با

تحریک عواطف قومی توده‌ها، به دنبال ایجاد مملکت‌های کوچک و ملوک‌الطوایفی هستند تا دوباره برگردند کارگران محلی سوار شوند، این صداها عمدتاً از حنجره‌ی دزدان و چپاولگران سابق، تکنوکرات‌های فراری جیره‌خوار غرب و فنودال‌های قومی بلند می‌شود که امتیازات سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند.

آن‌ها با تحریک عواطف قومی توده‌ها، به دنبال ایجاد پایگاه‌های قدرت محلی (مملکت‌های کوچک) برای بازگشت به چرخه غارت سرمایه‌داری هستند. در واقع این رویکرد را استفاده از بزرگواری بورژوازی از مردم برای رسیدن به معاهدات کثیف سیاسی می‌شود. از منظر انسانی پاره پاره کردن جغرافیای مبارزه ضد امپریالیستی، خواسته مستقیم قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری (شرق و غرب) است.

وقتی توده‌ها به جای همبستگی طبقاتی، بر سر مرزهای موهوم هزارستان یا پشتونستان با یکدیگر بجنگند، امپریالیسم راحت‌تر می‌تواند منابع زیرزمینی و نیروی کار ارزان منطقه را غارت کند.

پشتونستان‌خواهی و هزارستان‌خواهی: مرزبندی بر اساس خون، نژاد و قبیله است. این تفکر فاشیستی، انترناسیونالیسم پرولتری را نقض کرده و مردم را به جان هم می‌اندازد. از نظر انسان‌های روشن ضمیر و آگاه یک کارگر پشتون با یک کارگر هزاره برادر طبقاتی است، اما با یک سرمایه‌دار یا خان هم‌قوم خود، دشمن طبقاتی است.

ما فکر می‌کنیم عوامل ذیل در شکل‌گیری ایده تجزیه طلبانه نقش اساسی داشته و زمینه ترویج آن را نیز مساعد می‌سازد:

#### **\* آپارتاید جنسیتی و طبقاتی:**

حذف نیمی از پیکر جامعه (زنان) از کار، آموزش و حیات اجتماعی، نه تنها جنایت فاشیستی، بلکه ضربه‌ای مهلک به نیروی مولده جامعه و در راستای به بند کشیدن کارگران و دهقانان است.

#### **\* انحصار جریان قدرت و ستم ملی نوین:**

طالبان با حذف مطلق سایر اتنیک‌ها و جریان‌های اجتماعی، دولتی کاملاً تک‌قومی، تک‌مذهبی و فاشیستی بنا کرده‌اند. آن‌ها با غصب اراضی، کوچ‌های اجباری مجدد و سرکوب وحشیانه هرگونه صدای معترض، تضادهای ملی و اتنیک را به بالاترین حد انفجار رسانده‌اند.

#### **\* استثمار وحشیانه تحت پوشش دین:**

در حالی که مردم در فقر مطلق، بیکاری و گرسنگی مفرط دست‌وپا می‌زنند، الیگارش‌ی طالبان مشغول جمع‌آوری عشر، زکات اجباری، استخراج غارتگرانه معادن به نفع باندهای خود و باج‌گیری از پیشه‌وران کوچک است. این رژیم عملاً چوب‌دست سرمایه‌داری وابسته و پاسدار منافع بنیادهای استثمار است.

جریان‌های قوم‌محور مجازی آلترناتیوهای مرتجعانه و دوگانگی ایدئولوژیک فاشیسم عملکرد فاشیستی و انحصارگرایانه طالبان، بستر عینی و روانی را برای رشد قارچ‌گونه جریان‌های تجزیه‌طلبانه و قوم‌محور نظیر ترکستان‌خواهی، خراسان‌خواهی، هزارستان‌خواهی و پشتونستان‌خواهی در فضای مجازی کاملاً مساعد کرده است. اما از نظر ما، این جریان‌ها نه تنها راه نجات نیستند، بلکه متمم و دو طفل ایدئولوژیک همان فاشیسم طالبانی می‌باشند.

باحرمت

حلقات مطالعاتی اخگر و روستاخیز .

گروپ آموزش و پرورش جوانان

افغانستان

۲۲ می ۲۰۲۶

